

سازمان همکاری اسلامی، بررسی ناکامی‌ها با تأکید بر عوامل واگرایی^۱

اسماعیل جهان بین^۲

محمد جلال حیدری^۳

چکیده

سازمان همکاری اسلامی، تنها سازمان دولتی بین‌المللی است که تمام کشورهای اسلامی به آن پیوسته‌اند. این سازمان، از کشورهای ناهماهنگ، با تجربه تاریخی، سیاسی و فرهنگی نسبتاً متفاوت تشکیل یافته که دین مشترک یعنی اسلام، تنها عامل پیوند دهنده میان آن‌هاست. این سازمان در واکنش به حریق مسجدالاقصی در سال ۱۳۴۸/۱۹۶۹ و با هدف جهت‌دهی به تلاش‌های کشورهای اسلامی در موضوعات بین‌المللی به‌ویژه مسأله فلسطین ایجاد گردید، ولی هم‌چنان در دستیابی به اهداف خود ناتوان باقی مانده است؛ مسأله‌ای که کم‌تر به آن در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره پرداخته‌اند، حال چرا با گذشت بیش از چهار دهه از زمان تأسیس، سازمان نتوانسته به اهداف و آرمان‌های خود دست یابد؟ (سؤال) در بررسی‌های اولیه، ناتوانی سازمان را به دلایل متعدد خارجی اما اغلب بیرونی می‌توان نسبت داد. (فرضیه) این مقاله می‌کوشد تا در جهت نمایان ساختن تصویری روشن از دلایل ناکامی سازمان همکاری اسلامی، راه‌های نیل به مقاصد سازمان را نیز به صورت ضمنی بیان نماید. (هدف) دستیابی به این هدف در گرو بهره‌گیری از شیوه توصیفی-تحلیلی است. (روش) این نوشتار، دلیل اصلی ناکامی سازمان همکاری اسلامی را حل نکردن مسأله‌ای می‌داند که عمده‌تاً برای آن (فلسطین) تأسیس شده است. (یافته)

۱. این مقاله، مستخرج از پایان‌نامه‌ای به همین نام است که در زمستان ۱۳۹۱ در جامعه‌المصطفی‌العالمیه، به راهنمایی دکتر مرتضی شیرودی دفاع شده است.

۲. عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی، مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی - naserkiadeh@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد تاریخ معاصر جهان اسلام، جامعه‌المصطفی‌العالمیه (ع) - jalal1297@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۳/۶/۱۱

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۲/۲۵

واژگان کلیدی

سازمان همکاری اسلامی، فلسطین، کشورهای اسلامی، اسرائیل و ایران.

مقدمه

سازمان همکاری اسلامی به عنوان یک سازمان شناخته شده بین المللی، مهم ترین تشکل کشورهای اسلامی به شمار می رود که مجموعه گسترده ای از این کشورها را گرد هم آورده و بزرگ ترین سازمان بین المللی بعد از سازمان ملل متحد محسوب می گردد. (عبداللهی، ۱۳۸۲: ۴۱) طبق اساسنامه، این سازمان از چهار رکن اصلی تشکیل یافته که عبارت اند از:

۱. کنفرانس سران؛

۲. کنفرانس وزرای امور خارجه؛

۳. دبیرخانه؛

۴. دادگاه بین المللی عدل اسلامی.

نام این سازمان از زمان تأسیس در سال ۱۳۴۸/۱۹۶۹ تا سال ۱۳۹۰/۲۰۱۱ سازمان کنفرانس اسلامی بوده؛ اما در سی و هشتمین اجلاس شورای وزیران امور خارجه این سازمان که ۲۸ تا ۳۰ ژوئن آن سال در شهر آستانه (پایتخت قزاقستان) برگزار شد. نام آن به سازمان همکاری اسلامی و نشانه آن نیز تغییر یافت.^۱



نشان فعلی

۱. سایت سازمان همکاری اسلامی - oic-oci.org



نشان قبلی

اوضاع خاص بین‌المللی و بیداری اسلامی، بخشی از عوامل خارجی است که سازمان را به پاسخ‌گویی و مواجهه می‌طلبد. اگر سازمان نخواهد ضعف‌های کهنه و دیرینه خود را برطرف سازد و یا به عبارتی نخواهد در ساختار خود تغییراتی متناسب با اوضاع به وجود آمده ایجاد کند، کارایی خود را به مرور زمان از دست خواهد داد و به جرگه سازمان‌های دیگری خواهد پیوست که جز نامی از آن‌ها باقی نیست. این سازمان، متشکل از کشورهای ناهمگن از قاره‌های مختلف جهان است. همین امر موجب گردیده تا نیروی هم‌بستگی و پیوستگی کشورهای عضو در سطح پایینی قرار داشته باشد. البته افتراقات اقتصادی، اجتماعی و غیره مزید بر علت شده است. از سوی دیگر، عضویت در این سازمان به قدری ساده و کم‌ضابطه است که هر کشور اسلامی در حال توسعه‌ای می‌تواند درخواست عضویت برای این سازمان بدهد. به علاوه، کشورهای عضو این سازمان اغلب دارای ویژگی مشترک عدم توسعه و وابستگی هستند و از اقتصاد تک‌محصولی برخوردارند. از دیگر اشکالات سازمان، به قوانین اساسی برخی از کشورهای عضو می‌توان اشاره کرد که در قوانین اساسی خود دارای رژیم لائیک هستند و حتی در برخی از این کشورها، مسلمانان در اقلیت قرار دارند. در مجموع، مشکلات و موانع موجود بر سر راه سازمان را می‌توان با دو عنوان کلی موانع خارجی و موانع داخلی بررسی نمود:

الف) موانع خارج از سازمان

موانع خارجی با سه محور کلی بررسی می‌گردد.

۱. موانع سیاسی و حاکمیتی

شاید بتوان تقابل دیدگاه‌های سیاسی را بزرگ‌ترین مانع بر سر راه همکاری کشورهای اسلامی به شمار آورد و آن را عامل اصلی شکست اقدامات و طرح‌های همکاری مشترک دانست. این اختلافات، بیش‌تر از تفاوت نظام‌ها و ساختار سیاسی کشورها و به تبع آن، اختلافات عقیدتی و تعارض منافع کشورها ناشی می‌شود. که جهت‌گیری‌های متفاوتی را به دنبال می‌آورد. از طرف دیگر، نفوذ قدرت‌های خارجی در بین این کشورها عامل این اختلافات بوده که موجب تشدید و تداوم رقابت‌ها و اختلافات شده و هم‌سویی آن‌ها را دشوار ساخته است. در واقع، بخشی از اختلافات درونی و بخشی دیگر که ناشی از تأثیر نظام بین‌المللی است، موجب شده تا امکان همکاری کشورهای اسلامی تا حدی دچار اشکال شود. مسأله فلسطین هم از این قاعده مستثنا نیست. تا زمانی که رقابت‌های سیاسی میان کشورهای اسلامی به ویژه کشورهای تأثیرگذار سازمان به قوت خود باقی باشد، به برداشتن قدم‌های بزرگ در این زمینه نمی‌توان امیدوار بود. به طور کلی موانع سیاسی را می‌توان با عناوین ذیل برشمرد:

۱-۱- ساختار سیاسی متفاوت کشورهای عضو سازمان :

هرچه سازگاری نظام‌های سیاسی کشورهای عضو یک سازمان با یک‌دیگر بیش‌تر باشد، روند هم‌گرایی و همکاری، قوت بیش‌تری خواهد گرفت. نظام‌های سیاسی متفاوتی از قبیل: سلطنتی، محافظه‌کار سنتی، جمهوری اسلامی، جمهوری لائیک و... در رأس این سازمان وجود دارند. حتی در میان نظام‌های مشابه، به دلیل ماهیت متفاوت، سازگاری دیده نمی‌شود. برای نمونه، قانون اساسی دوازده کشور، به طور مشخص بیان می‌دارد که این کشورها دارای حکومت لائیک هستند؛ در حالی که در چارچوب عضویت در سازمان همکاری اسلامی، خود را کشوری اسلامی می‌دانند. بافت ناهمگون قدرت سیاسی و اقتصادی کشورهای عضو، موجب اعمال نفوذ کشورهای قدرتمند در درون سازمان و بر کشورهای ضعیف‌تر گردیده که این کشورها، با تجهیز امکانات، بر کشورهای ضعیف‌تر تأثیر می‌گذارند و آن‌ها را به موضع‌گیری‌های خاص در جهت منافع خود وادار می‌نمایند. (فوزی تویسرکانی، ۱۳۷۷: ۶۵)

۱-۲- گسیختگی جغرافیای سیاسی کشورهای مسلمان

از هم گسیختگی جغرافیایی کشورهای اسلامی که گستره آن از خاورمیانه (مهد اسلام) شروع می‌شود و تا کشورهای خاور دور و کشورهای اروپایی و آفریقایی ادامه می‌یابد، جهان اسلام را با نوعی واگرایی روبه‌رو ساخته است. (شوستری، ۱۳۸۳: ۷۶) بی‌شک این واگرایی، یکی از دلایل کارایی اندک سازمان همکاری اسلامی محسوب می‌شود. حل این مشکل، مستلزم توجه بیش‌تر به تمایزات بین مناطق از نظر فرهنگی، سطح توسعه، منابع، تولیدات و غیره است. چنین وضعیتی، شکل‌گیری سازمان‌هایی خارج از چارچوب سازمان همکاری اسلامی مانند سازمان اکو و شورای همکاری خلیج فارس را تشویق کرده است. استقبال از این روند و تسهیل آن، یعنی تأکید بر وحدت در عین تنوع؛ تنوعی که می‌تواند منشأ غنای فرهنگی و اقتصادی و افزایش کارایی باشد. چنین تحولی، در عین حال می‌تواند به رقابت‌های منطقه‌ای مخفی در چارچوب سازمان خاتمه دهد. تقویت سازمان‌های منطقه‌ای موجود بین کشورهای اسلامی به‌ویژه تقویت اکو از طریق کمک‌ها و اعتبارات مالی از یک سو و ایجاد سازمان‌های اقتصادی جدید در جهان اسلام از سوی دیگر، در این زمینه شایسته بررسی است. (احمدی، ۱۳۷۶: ۷۱۴)

۱-۳- وابستگی به قدرت‌ها و تأثیرپذیری از بیگانه

یکی از مهم‌ترین عوامل بازدارنده سازمان از انجام دادن وظایف خود، وابستگی برخی اعضا به بلوک‌های قدرت موجود در جهان است که استقلال رأی و توان موضع‌گیری را از آن‌ها سلب نموده و موجب شده تا آنان به مظاهر سطحی اسلام بسنده کنند. (شوستری، ۱۳۸۳: ۱۵۵) این روابط، گاهی نفی‌کننده روابط بین کشورهای مسلمان و در بسیاری مواقع، ناقض اهداف سازمان است. (نظر آهاری، ۱۳۷۶: ۷۳۵) وابستگی برخی کشورهای عضو سازمان به قدرت‌های جهانی، باعث گردیده که انسجام سازمان تابعی از همکاری‌ها یا رقابت بین قدرت‌ها باشد و در نتیجه به نوعی، به بی‌ثباتی در داخل سازمان بینجامد. در مجموع، وابستگی کشورها به بلوک‌های قدرت جهانی، باعث تفرقه در داخل سازمان شده و آن را در قالب جناح بندی‌های جهان، به گروه‌های مختلفی تقسیم نموده است؛ مانند طرف‌داران امریکا و غرب که در رأس آن‌ها عربستان سعودی، شیخ‌نشین‌های خلیج فارس، ترکیه و مصر و در مقابل هواداران روسیه، مانند سوریه، لیبی و الجزایر قرار دارند. در این

میان، به جناح دیگری نیز می‌توان اشاره نمود که به قدرت‌ها وابستگی ندارند؛ ایران بعد از انقلاب اسلامی و برخی کشورهای آفریقایی که بیش‌تر به منافع خود می‌اندیشند، در این دسته قرار می‌گیرند.

کشورهای استکباری و غرب که حامیان اصلی رژیم صهیونیستی هستند، با اعمال فشار بر کشورهای مستقل و هم‌چنین حضور نظامی در منطقه و ایجاد پایگاه هوایی و دریایی در برخی کشورهای اسلامی، به بهانه حمایت از حکومت‌های دست‌نشانده در کشورهای محافظه‌کار، در جهت کانالیزه کردن تصمیمات سازمان همکاری اسلامی و تبدیل این سازمان به یک سازمان خنثی تلاش می‌کنند. به علاوه، نفوذ غرب به ویژه امریکا بر بعضی از کشورهای عضو - به طور مشخص عربستان سعودی و برخی شیخ‌نشین‌های خلیج فارس - و نفوذ آن‌ها بر بسیاری از کشورهای آفریقایی مسلمان به علت کمک‌های اقتصادی، موجب می‌شود که تصمیمات در کنفرانس اسلامی بی‌تأثیر از غرب نباشد. برخی از اعضا، با استفاده از درآمد مالی خود، توانسته‌اند در تصمیم و آرای بسیاری از کشورهای فقیر و متوسط در این سازمان، تأثیر بگذارند. مثلاً عربستان سعودی طی اجلاس ششم سران سازمان، (سنگال: ۱۳۷۰/۱۹۹۱) به طور یک‌جانبه، بدهی تمامی اعضای آفریقایی سازمان به خود را بخشید. از طرف دیگر، بیش‌ترین میزان کمک‌ها به این سازمان از سوی این کشور انجام می‌گردد. (شوشتری، ۱۳۸۳: ۱۶۰) بنابراین، کشورهای اصلی تصمیم‌گیرنده در سازمان را باید در تعداد اندکی خلاصه کرد که با کمک‌های مالی به سازمان و کشورهای عضو، توانسته‌اند دارای نفوذ وسیعی شوند. از طرف دیگر، تمایل سیاسی، نظامی و اقتصادی این کشورها به قدرت‌های بزرگ‌تر خارج از سازمان و متأثر شدن آن‌ها از این قدرت‌ها، به کارگیری توان سازمان برای حفظ مصالح مسلمانان را مشکل می‌سازد. (شوشتری، ۱۳۸۳: ۱۶۱)

۱-۴- بی‌ثباتی سیاسی^۱

بی‌ثباتی سیاسی در داخل برخی کشورهای مسلمان نیز عامل دیگری به شمار می‌آید که مانع هم‌گرایی آن‌ها بوده است. در این زمینه می‌توان به اختلافات داخلی و کودتاهای

1. Political instability.

مختلف در کشورهای نظیر پاکستان، عراق، کشورهای آفریقایی، کشورهای آسیای میانه و قفقاز اشاره نمود. بی‌ثباتی از این جهت که موجب تغییر پی‌درپی حکومت و روی کار آمدن حکومتی جدید در یک کشور می‌شود، ممکن است مانع هم‌گرایی باشد؛ هم‌چنین بی‌ثباتی، موجب ناپایداری سیاست‌ها و دگرگونی مشی سیاسی حکومت‌ها و در نتیجه فشارهای داخلی می‌گردد. هم‌چنین باعث می‌شود توجه کشورها از پرداختن به مسائل منطقه‌ای، به سوی تلاش برای برقراری ثبات داخلی و حفظ موجودیت حکومت جلب گردد که نتیجه آن، پایبندی نبودن به تعهدات منطقه‌ای است. (فوزی تویسرکانی، ۱۳۷۷: ۹۶) در بسیاری از کشورهای عضو، بارها کودتا شده و حکومت‌ها در بسیاری از کشورها به افراد وابستگی دارد، به شکلی که با ایجاد حادثه‌ای برای آن‌ها، نظام سیاسی دچار بی‌ثباتی می‌گردد. رهبرانی که با مشکلات گوناگون سیاسی برای حفظ رژیم خود روبه‌رو هستند، چگونه می‌توانند تصمیمات دیرپا و بلندمدت بگیرند که لازمه هرگونه اتحادیه و یا حرکت هم‌گرایانه است؟

۵-۱- ناسیونالیسم عربی

جهان بعد از جنگ جهانی دوم، شاهد ظهور پدیده ناسیونالیسم به ویژه در میان کشورهای جهان سوم بود. از جمله گرایش‌های عمده ناسیونالیستی که به ویژه در کشورهای مسلمان خاورمیانه‌ای به وجود آمد، ناسیونالیسم عربی بود که نقش مؤثری در موضع‌گیری‌ها و گرایش‌های درون سازمان داشت. به ویژه شعارهای قومی - عربی همواره مسلمانان را به دو گروه عرب و غیر عرب تقسیم می‌کرد به طوری که کشورهای عرب می‌کوشیدند تا روح عربیت را بر سازمان همکاری اسلامی حاکم کنند. برای مثال، وزیر امور خارجه عراق در دوازدهمین کنفرانس وزرای امور خارجه که از اول تا پنجم ژوئن ۱۳۶۰/۱۹۸۱ در بغداد برگزار شد، ایران را به عنوان متجاوز معرفی کرد و گفت: «در نزاع میان عرب و غیرعرب، کشورهای عربی نباید بی‌طرف باقی بمانند.» (فصاحت سید، ۱۳۷۶: ۸۰۱) قرار داشتن مقرر بسیاری از نهادهای مهم و تخصصی سازمان و مراکز حساسی مانند دبیرخانه مؤسسه اسلامی علوم و فنون و توسعه، مجمع الفقه الاسلامی و غیره در عربستان سعودی نیز موجب گسترش این نفوذ شده است. کشورهای خاص و معدودی در سازمان، به دلیل در اختیار داشتن شریان‌های مالی سازمان، پست‌های کلیدی

و حساس را در اختیار دارند. ساختمان دبیرخانه سازمان و زمین بانک توسعه اسلامی از سوی کشور عربستان سعودی به سازمان اهدا شده و بیشترین سهم از سرمایه‌های موجود در بانک توسعه اسلامی و صندوق هم‌بستگی اسلامی از آن این کشور است. (شوشتری، ۱۳۸۳: ۱۶۱) وجود تعداد زیاد کشورهای عرب، همواره این مشکل را به وجود آورده که سازمان به یک سازمان قومی تبدیل و باعث شده سایر مسلمانان خود را از اعراب دور سازند و بیش‌تر به تجمع‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای گرایش یابند. برای نمونه، تشکیل اجلاس گروه هشت^۱ در سال ۱۳۷۶/۱۹۹۷ در ترکیه با شرکت هشت کشور مهم جهان اسلام در این زمینه شایسته بررسی است.

۶-۱- اختلافات میان کشورهای اسلامی

در حالی که ملت‌های مسلمان کشورهای اسلامی اختلافی با هم ندارند، وجود اختلاف میان حاکمان کشورهای اسلامی و گاه وجود تضاد دیدگاه میان آن‌ها، از کارایی سازمان کاسته است. اختلاف میان کشورهای اسلامی، معضل مهمی است که همواره کشورهای بیگانه و نیروهای خارجی از آن استفاده کرده‌اند. این تعارضات، سد بزرگی بر سر راه همکاری و تفاهم در زمینه‌های گوناگون بین کشورهای اسلامی و گرفتن مواضع مشترک در قبال مسائل جهانی است. از جمله بارزترین اختلافات دوجانبه و چندجانبه بین کشورهای مسلمان، می‌توان به اختلافات مرزی و ارضی اشاره نمود؛ این پدیده بیش‌تر محصول دوران استعمار و سلطه مستقیم کشورهای خارجی بر کشورهای اسلامی و نوع تقسیم کشورهای اسلامی خصوصاً پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی^۲ است. اختلافات بین ایران و عراق، عراق و کویت، عراق و عربستان سعودی، عربستان سعودی و یمن، مصر و سودان، قطر و عربستان سعودی، قطر و بحرین، ایران و امارات، عراق و ترکیه و ... ، در دهه اخیر، هزینه‌های انسانی و مالی فراوانی را بر اقتصاد و جامعه کشورهای اسلامی تحمیل نموده و زمینه فعالیت برای کشورهای خارجی و قدرت‌های بیگانه را فراهم کرده است. (شوشتری، ۱۳۸۳: ۹۴) این دخالت‌ها، مشکلات سیاسی و اقتصادی فراوانی را بر

۱. گروه دی هشت، گروهی اقتصادی متشکل از هشت کشور در حال توسعه اسلامی: ایران، ترکیه، پاکستان، بنگلادش، اندونزی، مالزی، مصر و نیجریه است.

۲. این امپراتوری مسلمان در تاریخ سوم مارس ۱۳۲۳/۱۹۲۴ سقوط کرد.

این کشورها تحمیل کرده و جنگ‌های زیادی را به وجود آورده است. برای مثال، به جنگ تحمیلی عراق علیه ایران می‌توان اشاره کرد که طولانی‌ترین جنگ پس از جنگ جهانی دوم محسوب می‌گردد. (السیدسلیم، ۱۳۷۶: ۱۵۱)

۲. موانع اجتماعی و فرهنگی

همان‌طور که در سطح ملی، هر چه اشتراک در عناصر تشکیل دهنده ملت هم‌چون زبان، نژاد، فرهنگ، مذهب، تاریخ و میراث فرهنگی بیش‌تر باشد، وحدت ملی بیش‌تر و احساس جمعی در میان آن‌ها قوی‌تر است، در سطح یک سازمان نیز هرچه این اشتراکات بیش‌تر باشد، تمایل به هم‌گرایی میان ملت‌های آن سازمان، بیش‌تر و زمینه پذیرش وحدت آماده‌تر است. بر عکس، تنوع زبان، مذهب و فرهنگ در یک سازمان، اختلافات را عمیق‌تر کرده، امکان هم‌گرایی را ضعیف‌تر می‌سازد. در کنار ناهمگونی سیستم‌های سیاسی و اقتصادی کشورهای عضو سازمان که بر همکاری منظم آنان در قبال مشکلات اقتصادی و گرفتن مواضع یک‌سان در برابر پدیده‌ها و رخدادهای سیاسی جهان تأثیر منفی می‌گذارد، زمینه مشترک موجود، فرهنگ اسلامی است که می‌تواند به‌رغم تفاوت‌های قابل اغماض، به دلیل اشتراک در پیروی از یک کتاب و یک پیامبر، زمینه را برای اتخاذ روش عملی یک‌سان فراهم آورد؛ (ظریف، ۱۳۷۶: ۶۷۶) ولی در عین حال، وجود اقوام مختلف با زبان‌های متفاوت و شاخه‌های مذهبی متعدد را نباید از نظر دور داشت که گاه فرهنگ‌های گوناگون را به دنبال آورده است. اختلاف ناشی از این عدم انسجام اجتماعی، از جمله عوامل مهمی بوده که تاکنون از وحدت کشورهای عضو سازمان جلوگیری کرده و هنوز هم به عنوان مانعی در روند هم‌گرایی به شمار می‌آید.

در ادامه، به بررسی برخی از مهم‌ترین موانع اجتماعی و فرهنگی می‌پردازیم:

۲-۱- تعارضات فرهنگی

وسعت و تنوع کشورهای اسلامی و دارا بودن فرهنگ‌های مخصوص به خود، از جمله چالش‌های کشورهای اسلامی و به دنبال آن، سازمان همکاری اسلامی است. کشورهای عضو سازمان، دارای تفاوت‌ها و تعارضات فرهنگی زیادی هستند. تفاوت‌های زبانی، نژادی و فرهنگی، در بسیاری موارد، موجب اختلاف این کشورها شده است. تفاوت فرهنگی

چون عربی، ایرانی، هندی، ترکی و... از عوامل مهم واگرایی در دنیای اسلام است. (شوشتری، ۱۳۸۳: ۷۶) تشکیل سازمان همکاری اسلامی، نه تنها نتوانست نقطه پایانی بر این مجادلات در جهان اسلام باشد، بلکه خود به یکی از مجاری برای انعکاس ضمنی این مجادلات به انحای مختلف تبدیل شده است. (احمدی، ۱۳۷۶: ۷۲۱)

۲-۲- اختلافات داخلی در کشورهای اسلامی

اختلافات داخلی همواره باعث شده تا قدرت‌های خارجی و یا حامیان منطقه‌ای آنان از این اختلافات بهره‌برداری کنند. این اختلافات را به سه دسته کلی می‌توان تقسیم کرد:

۲-۲-۱- اختلافات قومی، قبیله‌ای و فرقه‌ای؛

۲-۲-۲- اختلافات ناشی از وجود اقلیت‌های مذهبی، نژادی و زبانی؛

۲-۲-۳- اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک. (سنبل، ۱۳۷۶: ۷۷۵)

وجود اختلافات قومی، قبیله‌ای و مذهبی، ویژگی بارز جوامع جهان سوم است که جهان اسلام به عنوان جزئی از این حوزه نیز دچار این عارضه است؛ اختلافاتی مانند اختلافات آرامنه و آذری‌ها در آذربایجان، اختلافات مذهبی در بحرین، جدایی‌طلبان کرد در ترکیه و عراق و درگیری‌های قوم مهاجر^۱ در پاکستان. (شوشتری، ۱۳۸۳: ۹۸) هرچند کشورهای اسلامی در اصل اسلام مشترک هستند، دارای بینش‌ها و برداشت‌های متفاوتی از اسلام دارند و دارای مذاهب گوناگونی هستند که این امر همواره می‌تواند زمینه‌های فکری هر نوع وحدت عمل را به تعویق بیندازد. هنوز بسیاری از فرقه‌های مسلمان، هم‌دیگر را کافر می‌شمارند. علاوه بر اختلافات، وجود روحیه ضعف برای همکاری‌های منطقه‌ای نیز یکی از عوامل مؤثر دیگر است. (فوزی تویسرکانی، ۱۳۷۷: ۱۰۱) منازعات و اختلافات داخلی که در کشورهای اسلامی به وقوع می‌پیوندد، سبب شده تا کشورهای اسلامی به عنوان ناقض حقوق بشر معرفی شوند. اتهامات مربوط به نقض حقوق بشر و تروریسم از جمله تهدیدات جدی است که کشورهای اسلامی باید ضمن رعایت موازین اسلام، توجه کافی به آن بنمایند. این اتهامات، پیامدهای خطرناکی به همراه دارد که

۱. جنبش قومی مهاجر، حزبی است که به وسیله «الطاف حسین» در سال ۱۳۶۳/۱۹۸۴ و به منظور حمایت و دفاع از منافع اجتماعی مهاجران پاکستان تشکیل شد.

برخی از آن‌ها عبارتند از:

- الف) مانع گرایش غیرمسلمانان به اسلام می‌شوند؛
 - ب) چهره اسلام را نزد افکار عمومی جهان مخدوش می‌کنند؛
 - ج) به مداخله و تجاوز در کشورهای اسلامی و تحریم علیه آنان، مشروعیت می‌بخشند.
- (سنبللی، ۱۳۷۶: ۷۷۸)

۲-۳- تفاوت در برداشت از مفهوم دین و مذهب

در حالی که برداشت بیش‌تر دولت‌های عضو از دین و مذهب، جدایی این دو از یک‌دیگر است، کشورهای معدودی در میان اعضا، به نظریه هم‌بستگی و تفکیک‌ناپذیری دین و سیاست اعتقاد دارند. همین امر تأثیر بسیاری در میزان اهمیت قائل شدن به مسائل موجود جامعه اسلامی جهانی دارد. علاوه بر این، کشورهای عضو سازمان، برداشت‌های متفاوتی از اسلام و دستورهای اسلامی دارند و فرهنگ ملی در برخی از کشورهای عضو با فرهنگ اسلامی ناهمگون است؛ لذا بسیاری از کشورهای عضو، ترجیح شریعت بر عرف را به رسمیت نمی‌شناسند و برخی گرایش‌های نیرومند نیز سازمان را به سمت یک سازمان سیاسی - بین‌المللی متعارف می‌کشانند. این امر، سازمان را با نوعی تناقض تئوریک در کار خود، مواجه ساخته است. این تناقض، خود یکی از مشکلات سازمان در زمینه‌های مختلف بوده که دلسردی بسیاری از اعضا را موجب شده و در نتیجه موجبات ضعف کارآمدی سازمان را فراهم نموده است.

۳. موانع اقتصادی و مالی

سازمان همکاری اسلامی، سازمانی بین‌المللی است که امکانات عظیمی برای یک‌پارچه کردن کشورهای اسلامی در یک گروه کاملاً به هم پیوسته در اختیار دارد تا آن‌ها از این طریق، به طور جمعی انگیزه پیشرفت متقابل اقتصادی را ارتقا بخشند که از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت و شرط اساسی بقاست. همکاری اقتصادی، نه فقط به ایجاد پیوندهای لازم برای وابستگی متقابل کمک می‌کند، بلکه بر امنیت جمعی نیز می‌افزاید. منزه شدن، سبب ناامنی هر کشوری می‌شود و آن را در معرض بهره‌کشی قرار می‌دهد، اما اگر کشورها در قالب همکاری مشترک در برابر یک‌دیگر احساس التزام کنند، امکان گرفتن

امتیازات نابه‌جا از هر یک از این کشورها دشوارتر خواهد بود. بنابراین، در سایه همکاری اقتصادی، نه تنها پیشرفت اقتصادی حاصل می‌شود، بلکه امکانی ذاتی برای محافظت از منافع امنیتی یکایک اعضا در مقابل فشارها و نفوذ خارجی به وجود می‌آید. (فصاحت سید، ۱۳۷۶: ۷۹۰)

جهان با شتاب به سوی تشکیل بلوک‌های اقتصادی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در حال حرکت است. این تحول از جمله شاخص‌های جهان معاصر به شمار می‌رود. در این زمینه نیز کشورهای اسلامی، در قالب ارگان‌های اقتصادی سازمان همکاری اسلامی، دستاورد مهم و چشم‌گیری به دست نیاورده‌اند و در صورت عدم جبران این نقیصه، فاصله کشورهای عضو سازمان با جهان صنعتی در زمینه رشد و توسعه اقتصادی در آینده بیش از گذشته می‌شود. (ولایتی، ۱۳۷۶: ۶۶۸) البته سازمان در این زمینه، به اقداماتی هر چند ناکافی دست زده که می‌توان به تأسیس ارگان‌های متنوع اقتصادی نظیر کمیته دائمی همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی، بانک توسعه اسلامی، اتاق بازرگانی و صنایع اسلامی و مرکز اسلامی توسعه تجارت اشاره نمود. (ظریف، ۱۳۷۶: ۶۷۷)

عواملی را که مانع هم‌گرایی اقتصادی میان کشورهای اسلامی عضو سازمان هستند، می‌توان با چهار عنوان کلی بررسی کرد:

۱-۳- ناهمگونی ساختار اقتصادی:

بیش از نیمی از کشورهای اسلامی، جزو کشورهای فقیر جهان محسوب می‌شوند؛ در حالی که اکثر کشورهای ثروتمند در دنیای اسلام، در خاورمیانه قرار دارند. از این لحاظ، کشورهای اسلامی دچار ناهمگونی شدیدی هستند. هنوز یک نهاد مرکزی هماهنگ کننده برای سرمایه‌گذاری مشترک کشورهای ثروتمند اسلامی به شکل منسجم وجود ندارد. البته بانک توسعه اسلامی، به اقداماتی دست زده که هنوز کافی به نظر نمی‌رسد.

۲-۳- منافع و علایق ناهمگون اقتصادی

بر خلاف نظام‌های سیاسی که گاه ناپایدار و گذرا هستند، نظام اقتصادی کشورها، معمولاً به سادگی تغییر نمی‌یابند و با وجود هر نوع نظام سیاسی، پابرجا خواهند ماند. با توجه به ساختار اقتصادی، کشورهای عضو سازمان را به سه گروه می‌توان تقسیم نمود:

گروه اول: کشورهایی هستند که علاوه بر داشتن منابع غنی زیرزمینی مانند نفت و گاز، زغال‌سنگ و منابع معدنی، زمینه مساعدی برای کشاورزی نیز دارند، به‌گونه‌ای که با سرمایه‌گذاری در این بخش، می‌توانند خود را از فقر برهانند. در این کشورها، به علت جمعیت نسبتاً زیاد، نیروی کار کافی وجود دارد؛ به علاوه، با بازار مصرفی که این جمعیت زیاد فراهم می‌سازند، امکان سرمایه‌گذاری صنعتی را به وجود می‌آورند؛ به ویژه که با وجود ذخایر معدنی، می‌توانند سرمایه لازم را فراهم نمایند.

گروه دوم: کشورهایی هستند که مانند گروه اول، منبع درآمدی چون نفت و گاز در اختیار ندارند؛ ولی از آن‌جا که موقعیت‌های مساعدی برای کشاورزی دارند، زیرساخت‌های محکمی را در این بخش بنا کرده‌اند. در این کشورها، معمولاً نیروی کار کافی وجود دارد و حتی با مازاد نیروی کار روبه‌رو هستند و در زمره کشورهای مهاجر فرست محسوب می‌شوند. این کشورها، با توجه به آن‌که منبع زیرزمین غنی در اختیار ندارند که بتوانند هزینه برنامه‌های توسعه‌شان را تأمین کنند، مجبور به گرفتن وام و دریافت کمک از کشورهای خارجی شده‌اند. بنابراین، بخشی از درآمدهای ارزی آن‌ها در جهت بازپرداخت وام‌ها به کار می‌رود که به ناتوانی این کشورها در به دست آوردن کالاهای سرمایه‌ای مورد نیازشان می‌انجامد.

گروه سوم: بقیه کشورهای عضو سازمان جزء فقیرترین کشورهای جهان هستند و از معدود منابعی که در این کشورها وجود دارد، استفاده درست و بهینه نمی‌شود. کشاورزی سنتی و توسعه نیافته و جمعیتی با سطح پایین آموزش و فقدان صنایع سنگین و پیشرفته، از ویژگی‌های آن‌هاست.

به دلیل این تفاوت‌ها در میان کشورهای اسلامی، علایق اقتصادی متفاوتی در بین آن‌ها وجود دارد که هم‌سویی برنامه‌های اقتصادی را دشوار می‌سازد. در نتیجه، هر دولتی با توجه به زمینه‌های اقتصادی کشورش، بر اقتصاد ملی تأکید می‌ورزد و برنامه‌های عمرانی خود را بدون توجه به نیازهای منطقه‌ای و بدون هماهنگی با دیگر کشورهای عضو سازمان، طرح و اجرا می‌کند. این امر مانعی بر سر راه همکاری و یک‌پارچگی است.

۳-۳- توزیع نابرابر ثروت در میان کشورهای اسلامی

برخی از کشورهای عضو سازمان دارای منابع زیرزمینی و فلزات گران‌بها هستند؛ در

مقابل کشورهاییی وجود دارند که منابع خاصی در اختیار ندارند و جزء فقیرترین کشورها به حساب می‌آیند. توزیع ناهمگون ثروت و منابع، همکاری کشورهای غنی و فقیر و تشکیل یک اتحادیه را با چالش مواجه می‌کند؛ زیرا انگیزه لازم در میان کشورهای غنی برای همکاری با کشورهای فقیر وجود ندارد و نیازی به همکاری نمی‌بینند.

۳-۴- مکمل نبودن اقتصاد کشورهای عضو

ویژگی مکمل بودن اقتصادی در میان کشورهای اسلامی وجود ندارد؛ زیرا این کشورها، تک‌محصولی و توسعه نیافته هستند و تولید عمده آن‌ها یک یا دو نوع ماده خام است که می‌توانند با صادرات آن درآمد کسب کنند. در مقابل، اغلب واردکننده کالاهای صنعتی و مواد مصرفی از کشورهای صنعتی هستند. مکمل بودن اقتصاد به این معناست که تنوع تولید در سطح یک منطقه، به حدی باشد که کشورهای منطقه بیش از آن که برای تأمین نیاز خود به خارج از منطقه توجه داشته باشند، بتوانند بخش مهمی از نیازهای یک‌دیگر را در داخل منطقه و از طریق کشورهای منطقه مرتفع سازند. اقتصاد مکمل، وابستگی متقابل کشورهای منطقه را به دنبال می‌آورد؛ زیرا هر کدام از کشورها، می‌توانند در عین فروش کالاهای خود و برآوردن نیاز دیگران، با خرید کالاهای منطقه، نیاز خود را نیز تأمین کنند.

مشکلات اقتصادی کشورهای اسلامی، موجب گردیده این کشورها به طور آگاهانه یا ناآگاهانه، به کشورهای ثروتمند و نهادهای پولی بین‌المللی وابسته شوند و این وابستگی‌ها، تبعات منفی اجتماعی - فرهنگی زیادی را برای آن‌ها به دنبال داشته است. (شوشتری، ۱۳۸۳: ۸۰) با آن که بخش وسیعی از نیازهای کشورهای اسلامی به وسیله مبادله بین خودشان تأمین شدنی است، هنوز نتوانسته‌اند با اولویت دادن به مبادلات میان خود، از وابستگی و واردات از کشورهای غیراسلامی بکاهند. تشکیل بازار مشترک اسلامی، از جمله راه‌کارهای مقابله با چالش‌های پیش روی امت اسلامی است. (عبداللہی، ۱۳۸۲: ۴۱) البته توجه به این نکته ضروری است که با عنایت به عضویت بعضی از کشورهای اسلامی در سازمان جهانی تجارت و بهره‌برداری نسبی از تعرفه‌های پایین‌تر در چارچوب مبادلات این کشورها با کشورهای صنعتی و اروپایی، همکاری بخش‌های خصوصی کشورهای اسلامی و هم‌چنین ایجاد تعرفه‌های ترجیحی، مستلزم تجدیدنظر در

ساختار این تعرفه‌ها و ایجاد فرصت‌ها و مزیت‌های نسبی در تجارت با کشورهای اسلامی است. (ظریف، ۱۳۷۶: ۶۷۸)

ب) موانع داخلی سازمان

سازمان همکاری اسلامی، از حیث ساختار و اهداف، متناسب با اوضاع زمان جنگ سرد طراحی شده و حتی در آن زمان هم کار عمیق کارشناسی در زمینه نیازها و تعیین استراتژی‌ها صورت نگرفته است. وجود نهادهای موازی در سازمان و عدم روزآمدی در ساختار و اهداف، قدرت تحرک و پویایی را از سازمان سلب کرده است؛ لذا لازم است با شناخت درست از اوضاع روز در عرصه بین‌المللی، با انجام دادن کار کارشناسی، باید نسبت به شناخت و رفع نقاط ضعف سازمان اقدام شود. البته این امر، نیازمند اقبال عمومی در میان اعضای سازمان و یا دست‌کم موافقت اعضای تأثیرگذار سازمان است. برخی از مشکلات ساختاری سازمان عبارتند از:

۱. فقدان ضمانت اجرایی برای مصوبات

یکی از اشکالات عمده‌ای که در اساس‌نامه سازمان وجود دارد، فقدان هرگونه ماده و یا شرط و شروطی برای مجازات کشورهای است که مفاد اساس‌نامه را نقض می‌کنند. (السید سلیم، ۱۳۷۶: ۲۳) سازمان همکاری اسلامی تاکنون موفق شده قطعنامه‌های زیادی به صورت اجماع در زمینه موضوعات مختلف مندرج در دستور کارش تصویب کند. اما در مقام عمل، اغلب ناموفق بوده و اعضا معمولاً مواضع ملی خود را با تعصب پی‌گرفته‌اند. سازمان در مورد فلسطین، توانست محملی برای گرفتن مواضع مشترک شود، اما در مقام اجرا، کاری از پیش نبرد. (احمدی، ۱۳۷۶: ۷۱۹) به عبارت دیگر، این سازمان مانند سازمان ملل متحد، ابزاری مثل شورای امنیت در اختیار ندارد که قطعنامه‌های خود را به مرحله عمل برساند. لزوم تشکیل یک بازوی اجرایی برای سازمان از سوی کشورهای عضو در همه سطوح احساس می‌شود. برای مثال، در پی بروز بحران بوسنی هرزه‌گوین و کشتار بی‌رحمانه مسلمانان بی‌دفاع این جمهوری، سازمان همکاری اسلامی با هدف حمایت از این مسلمانان، به پیشنهاد مالزی درصدد تشکیل نیروی دفاعی مشترک برای حفظ صلح برآمد. این تصمیم از اراده دولت‌های اسلامی برای حمایت بی‌دریغ از مسلمانان جهان

حکایت می‌کرد. این موضوع می‌توانست در حیطة تجدید ساختار این سازمان قرار گیرد. (ظریف، ۱۳۷۶: ۶۷۴)

دست‌کم پنج قدرت مرکزی در درون سازمان موجود است. این مراکز نه‌تنها همیشه با یک‌دیگر همکاری نمی‌کنند، بلکه دائم در حال رقابت با یک‌دیگر هستند. اگر به نحوه توزیع بودجه^۱، دبیرخانه و کمیته‌های دائم سازمان در بین کشورهای عضو بپردازیم. به خوبی در خواهیم یافت که مراکز مهم ذی‌نفوذ سازمان چه کشورهایی هستند. مقرر کمیته دائم همکاری‌های علمی و تکنولوژیک سازمان، در پاکستان قرار دارد و مقرر کمیته دائم همکاری‌های اقتصادی و تجاری در ترکیه است. علاوه بر این دو کشور، سه کشور عربستان سعودی، مصر و ایران نیز از مراکز مهم قدرت سازمان محسوب می‌گردند. (السید سلیم، ۱۳۷۶: ۱۵۷) به نظر می‌رسد به دلیل رقابت اعضای تأثیرگذار و لزوم همراهی آنها برای اجرایی شدن تصمیمات، ساختاری شبیه شورای امنیت با حضور ثابت این کشورهای تأثیرگذار و مشارکت علی‌البدل برخی دیگر از اعضا ایجاد گردد تا این کشورها بتوانند در روندی متقابل، نسبت به امتیازدهی و امتیازگیری اقدام کنند و تصمیمات سازمان از ضمانت اجرایی برخوردار گردد.

۲. صف‌بندی‌های درون سازمان

از زمان اولین نشست، آشکارا سه گرایش مهم در زمینه مسائل مختلف در سازمان به چشم می‌خورد که عبارت بودند از: گرایش رادیکال، گرایش محافظه‌کارانه و جناح بی‌طرف. در رأس گرایش اول، کشورهایی همچون مصر، سودان، لیبی، عراق، سوریه و یمن قرار داشتند که هدفی انقلابی برای سازمان قائل بودند و اعتقاد داشتند که سازمان، تنها در صورتی مفهوم دارد که موجب تشکیل جبهه متحدی علیه صهیونیست‌ها گردد. اعضای این گروه را در شعارهای ضدصهیونیستی، ضدامپریالیستی و دارای گرایش‌های سوسیالیستی و ناسیونالیستی می‌توان مشخص نمود. (فوزی تویسرکانی، ۱۳۷۷: ۴۸ و ۴۹) گروه دوم را کشورهای میانه‌رو و رژیم‌های سلطنتی تشکیل می‌دادند که معتقد بودند نباید هدف سازمان تنها متوجه مسأله اسرائیل گردد، بلکه باید به همه مسائل جهان اسلام

۱. پنج کشور عربستان سعودی، کویت، امارات، ایران و لیبی، چیزی حدود ۴۰٪ بودجه سازمان را تأمین می‌کنند.

و همکاری بین کشورهای اسلامی در همه زمینه‌ها پردازد و اسلام‌یسم را نباید با عربیسم یکی دانست. این گروه، به مبارزه گام‌به‌گام برای رسیدن به اهداف اعتقاد داشتند و دارای تمایلات هوادار غرب و مخالف کمونیسم بودند و بیش‌تر گرایش محافظه‌کارانه و مصلحت‌اندیشانه در برخورد با مسائل داشتند. جناح سوم سازمان را کشورهای لائیکی همچون ترکیه تشکیل می‌دادند که به دلایل و ملاحظات خاصی وارد سازمان شده و سعی داشتند تعهدی را به عهده نگیرند و تنها در چارچوب منشور سازمان ملل حرکت کنند.

این سه نگرش به طور کلی، در برخورد با بیش‌تر مسائل اولیه به چشم می‌خورد. در اولین نشست سران، هر چند مذاکرات رهبران کشورهای اسلامی درباره مسجدالاقصی و اشغال سرزمین‌های عربی درباره اسرائیل و آزادی فلسطین بود، نتیجه عمده این نشست، قطعنامه‌ای بود که در آن بر ترویج همکاری متقابل اقتصادی، علمی و فرهنگی در زمینه‌های خاص بین کشورهای مسلمان تأکید شده بود. اگرچه در قسمتی از این قطعنامه، بر بازگشت اسرائیل به مرزهای قبل از ۱۹۶۷/۱۳۴۶ و برپایی صلحی شرافت‌مندانه و عادلانه تأکید شده بود، عمده مسائل مطروحه در قطعنامه و جوّ عمده جلسه، به نفع مواضع گروه دوم و عناصر میانه‌رو بود که مسأله فلسطین را نه به عنوان یک اولویت خاص بلکه به عنوان یکی از مسائل جهان اسلام مطرح می‌ساختند؛ به طوری که برخلاف مواضع گروه تندرو که امیدوار بودند نشست سران کشورهای اسلامی، موجب تشکیل جبهه متحدی علیه صهیونیست‌ها گردد، این اجلاس مقدمه‌ای برای ملاقات‌های بعدی وزرای خارجه کشورهای اسلامی جهت تبیین و یافتن راه‌های همکاری بین کشورها در زمینه‌های مختلف گردید.

۲-۱- سیستم رأی‌گیری در سازمان

منشور سازمان، برای نشست‌های وزرای امور خارجه، سیستم رأی‌گیری خاصی را مشخص کرده، ولی برای نشست‌های سران، چنین سیستمی را معین نکرده است. از این‌رو، یکی از مشکلات فراروی سازمان، نبود یک سیستم رأی‌گیری معین است. این مشکل، موجب شده تا در نشست‌ها، تصمیم‌گیری بر اساس اجماع و اجتناب از رأی‌گیری صورت پذیرد. این رویه، باعث شده تا قطعنامه‌های سازمان، ضعیف، متناقض و گاهی اوقات اجرا ناشدنی باشد. (شوشتری، ۱۳۸۳: ۱۶۹) به علاوه، هنوز هم ترتیب نامتعارفی در

مجموعه تشکیلاتی سازمان وجود دارد: کنفرانس سران با حضور رؤسای دولت‌ها تشکیل می‌گردد؛ در حالی که در بعضی از کشورها، مسئول عالی اجرایی، نماینده دولت محسوب می‌شود. البته در برخی کشورها هر دو مقام در یک نفر جمع شده است. (فصاحت سید، ۱۳۷۶: ۷۹۶)

۲-۲- دولتی بودن سازمان همکاری اسلامی

یکی از دلایل ناموفقیت کامل طرح‌ها و برنامه‌های سازمان، ویژگی دولتی بودن این سازمان است. بسیاری از کشورهای مسلمان دارای حکومت‌های اقتدارگرا هستند و این موجب بی‌رغبتی سازمان‌های غیردولتی برای مشارکت در این سازمان می‌گردد. صرف‌نظر از نیت و مقاصد اعضا، این امر سازمان را از کمک‌های بالقوه خارجی محروم می‌کند. (شوشتری، ۱۳۸۳: ۱۶۳) یکی از دلایل عمده پیشرفت‌کنند و دستاورد اندک این سازمان، ویژگی صرفاً دولتی بودن است. سازمان باید همانند سازمان ملل متحد، در تلاش‌های خود برای رسیدن به اهداف، از پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های سازمان‌های غیردولتی بهره‌برد. سازمان‌های غیر دولتی، منبعی ارزشمند در تلاش‌های سازمان ملل متحد برای تقویت وجدان عمومی درباره مسائل مورد بررسی به شمار می‌آیند. (فصاحت سید، ۱۳۷۶: ۷۹۴)

۲-۳- مشکلات عضویت

یکی دیگر از مشکلات داخلی سازمان، نامعین بودن معیارهای عضویت در آن است. این موضوع، موجب گردیده تا کشورهای غیرمسلمان، تنها به دلیل اقلیت مسلمانان ساکن در این کشورها، به عضویت این سازمان درآیند. همچنین، برخی از کشورهای عضو در اکثر اجلاس‌های سران سازمان شرکت نمی‌کنند و یا برخی دیگر حق عضویت خود را نمی‌پردازند و سازمان را با مشکلات مالی ناشی از عدم پرداخت حق‌السهم مواجه کرده‌اند. (السید سلیم، ۱۳۷۶: ۱۵۸) مسأله عضویت، یکی از مشکلات قانونی است که عملکرد بهینه سازمان را با مشکل مواجه نموده؛ زیرا بر اساس منشور، هر کشوری به صرف مسلمان بودن، شرایط عضویت در سازمان را خواهد داشت و سازمان تاکنون معنای دقیق کشور مسلمان و یا اسلامی را تعریف نکرده است. همین موضوع، موجب شده تا سازمان از نظر عضویت، گسترش بی‌رویه‌ای بیابد. فقدان قانونی فراگیر و برخورد دوگانه با پذیرش

کشورهای عضو، موجب شده تا برای نمونه، درخواست عضویت هند به دلیل مخالفت پاکستان رد شود. (شوشتری، ۱۳۸۳: ۱۶۷) این نامشخص بودن معیارها، در عمل، سازمان را با چالش مواجه نموده است.

۴-۲- تقسیم موضوعی دستور کار سازمان

عامل مهم دیگری که بر واگرایی اعضای سازمان می‌افزاید، تقسیم موضوعی دستور کار سازمان بین اعضاست. اکنون ترکیه، پاکستان، سنگال و عربستان سعودی، هر کدام به عنوان مقرر اصلی کمیته‌های دائم اقتصادی، علمی، تکنولوژیک، فرهنگی، اطلاعاتی، سیاسی و امور مربوط به قدس شناخته شده‌اند و هر کدام از آن‌ها هدایت این موارد را به عهده دارند؛ در حالی که هیچ نهادی برای شناسایی فوریت‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و علمی تعبیه نشده که دارای جنبه فراگیر و مورد اقبال همگان داشته باشد. افرادی که مسئولیت این کمیته‌ها را به عهده دارند، رؤسای جمهور کشورهای یاد شده هستند که به دلیل اشتغال آن‌ها در امور مهم ممالک خود یا به دلیل محدودیت‌هایی که در گرفتن تصمیمات دارند، نمی‌توانند در اولین فرصت فوریت‌ها را شناسایی کنند یا درباره آن‌ها تصمیم بگیرند. (نظرآهاری، ۱۳۷۶: ۷۳۵)

۵-۲- فقدان روزآمدی در ساختار و اهداف سازمان همکاری اسلامی

اکنون بیش از دو دهه از فروپاشی کمونیسم می‌گذرد و لذا جهان با یک‌جانبه‌گرایی امریکا روبه‌رو شده، به حدی که امریکا و قدرت‌های بزرگ به بهانه تروریسم، به خود اجازه می‌دهند به هر جای دنیا لشکرکشی کنند! تحت تأثیر نظریه جنگ تمدن‌ها، لبه تیز جنگ به سوی جهان اسلام نشانه رفته و بیداری اسلامی در بسیاری از کشورهای عربی - اسلامی شکل گرفته یا در حال شکل‌گیری است؛ با این اوصاف، سازمان هنوز دارای ساختاری اولیه است و توانایی و آمادگی لازم برای رویارویی با پدیده‌های قرن حاضر را ندارد و نیازمند تجدیدنظر در ساختار و عملکرد است. باید قلمرو اختیارات قانونی سازمان مشخص باشد؛ چون کشورهای عضو خواستار فعالیت سازمان در چنین قلمروی هستند. تطبیق سازمان با انتظارات جهان اسلام و هم‌چنین تطبیق با تحولات جدید بین‌المللی، همراه با دادن یک راهبرد مناسب، عرصه‌های مهمی هستند که ضرورت بازنگری و به روز

رسانی اقدامات این سازمان برای تأمین منافع ۱.۸ میلیارد مسلمان را ضروری می‌سازد.

۳. ناکارآمدی دبیرخانه

از جمله موانع سازمان در رسیدن به اهداف، نقش دبیرخانه و دبیرکل است. دبیرکل سازمان یک هماهنگ کننده و یک رئیس اجرایی در سازمان به شمار می‌آید. ابقای یک دبیرکل برای مدت طولانی، ممکن است سازمان را از یک دبیرکل قوی محروم نماید. از طرف دیگر، اگر دبیرکل بخواهد در پست خود منافع کشورهای خاص را در نظر داشته باشد و گرایش‌های ملی خود را دخیل نماید، این سازمان هیچ‌گاه پیشرفتی نخواهد داشت، لذا لازم است نهادی در سازمان تعیین شود که نقش مسئول بودن دبیرکل در برابر اهداف سازمان و وظایف محوله را آشکار کند و نمایندگان کشورها را قادر سازد تا از او در برابر امور مختلف سؤال نمایند. (نظر آهاری، ۱۳۷۶: ۷۳۶)

نتیجه

رشد و توسعه سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و گرایش کشورهای مختلف به مشارکت فعال در این سازمان‌ها، از واقعیات دوره حاضر است. این امر، موجب گردیده که نقش این سازمان‌ها در تحقق اهدافی افزایش یابد که کشورها به تنهایی قادر به انجام دادن آن‌ها در سطح بین‌المللی نیستند. این واقعیت، موجب رشد فراملی‌گرایی در مناطق مختلف و تأسیس سازمان‌های جدید و یا اصلاح ساختار سازمان‌های قدیم و انطباق آن با اوضاع روز گردیده، به نحوی که این سازمان‌ها بتوانند قوی‌تر و کارآمدتر از گذشته فعالیت نمایند. بدیهی است با توجه به اوضاع روز دنیا و جهان اسلام، سازمان همکاری اسلامی، نیازمند تجدید ساختار و ایجاد نهادهای جدید است. البته تا زمانی که رهبران کنونی سازمان و اعضای ذی‌نفوذ آن به فکر ایجاد تحولی در آن نباشند، نمی‌توان هیچ‌امیدی به تغییر داشت. برخی از صاحب‌نظران، معتقدند که این سازمان، فاقد اراده سیاسی لازم برای اصلاحات است؛ البته اصلاح ساختار، کاری نیست که بتوان یک‌شبه انجام داد، بلکه نیازمند پروسه‌ای خاص و زمان‌بر است، ولی می‌توان امیدوار بود که سازمان با شناخت دقیق نقاط ضعف و کاستی‌های خود و تلاش برای مرتفع ساختن آن‌ها، در جهت منافع

جهان اسلام گام بردارد.

سازمان همکاری اسلامی باید تلاش کند نقشی فعال در عرصه بین‌المللی داشته باشد، به‌گونه‌ای که در بحران‌های جهان اسلام ابتکار عمل را در دست گیرد. کشورهای عضو سازمان باید بکوشند با بهره‌گیری از وسایل ارتباط جمعی اسلامی و با ترویج دیدگاه‌های علمای اسلام که گرایش تقریبی را دنبال می‌کنند، با ایجاد روحیه برادری میان مسلمانان، زمینه هم‌بستگی اعضا را فراهم نمایند. با توجه به این که تشابهات تاریخی و فرهنگی و نزدیکی جغرافیایی، آثار مثبت فراوانی در همکاری کشورها دارد، سازمان باید بکوشد با ایجاد زیرگروه‌های منطقه‌ای از کشورهای اسلامی دارای تاریخ و فرهنگ مشابه و در عین حال تعیین خط‌مشی کلی برای آن‌ها، زمینه همکاری بیش‌تر کشورهای اسلامی را فراهم نماید.^۱ به علاوه، سازمان می‌تواند از پتانسیل‌های سازمان‌های غیردولتی (NGO) به طور مناسب استفاده نماید.

باید اهدافی جدید برای سازمان تعریف شوند که به احیای تمدن بزرگ اسلامی و تأمین پیش‌نیازها و مقتضیات آن می‌پردازد؛ در حالی که هیچ‌کدام از اعضای مؤثر سازمان، آماده تعریف مجدد سازمان و پذیرش اهداف واقعی‌تر، ملموس‌تر و منطبق با وضعیت جدید جهان اسلام نیستند. در پایان، باید اذعان نمود که لازمه این امور، وجود اراده سیاسی در بین کشورهای عضو سازمان است؛ در حالی که نه تنها چنین اراده‌ای در کشورهای اصلی و تأثیرگذار سازمان - که گلوگاه‌های سازمان را در اختیار خود دارند - برای همراهی با قافله اسلام‌خواهی معاصر وجود ندارد، بلکه برخی از آن‌ها حتی در جبهه مخالف این حرکت قرار دارند. (عراقچی، ۱۳۷۶: ۷۴۶) در این زمینه می‌توان به نقش عربستان سعودی در تحولات یمن، مصر و بحرین اشاره نمود.

۱. مثل اکو، آسه‌آن، و اتحادیه عرب.

کتابنامه

- آقای، سید داوود، (۱۳۸۱). *ایران و سازمان‌های بین‌المللی*، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- _____، (۱۳۸۰). *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، تهران، دانشگاه پیام نور.
- احمدی، عباس، (۱۳۸۹). *سازمان کنفرانس- ابعاد و ساختار حقوقی*، تهران، مدیران.
- احمدی، کورش (۱۳۷۶). «سازمان کنفرانس اسلامی در شرایط جدید بین‌الملل»، مجله سیاست خارجی، ویژه کنفرانس اسلامی، سال یازدهم، پاییز.
- امینی، داوود (۱۳۸۵). «بازبینی مواضع رژیم پهلوی، روحانیت و مردم ایران، در منازعات فلسطین و اسرائیل»، مجله گنجینه اسناد، شماره ۶۱، بهار.
- _____، (۱۳۸۲). *چالش‌های روحانیت با رضاه شاه*، نشر سپاس.
- برهانی، سیدهادی (۱۳۷۶)، «سازمان کنفرانس اسلامی و اجلاس تهران»، فصلنامه اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره ۱۲۱ و ۱۲۲.
- _____ (۱۳۷۶). «منطق تشکیل در سازمان کنفرانس اسامی»، مجله سیاست خارجی، ویژه کنفرانس اسلامی، سال یازدهم، پاییز.
- بعیدی نژاد، حمید (۱۳۹۱). «سازمان کنفرانس اسلامی تحولی جدید»، همشهری دیپلماتیک شماره ۷۸.
- رویوران، حسن، (۱۳۹۱). *سازمان کنفرانس اسلامی تهدیدها و فرصت‌ها*، همشهری دیپلماتیک شماره ۷۸.
- زعیترا، اکرم، (۱۳۷۰). *سرگذشت فلسطین یا کارنامه سیاه استعمار*، ترجمه علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- زرژ، ابی صعب، (۱۳۷۳). *مفهوم سازمان بین‌المللی*، ترجمه ایرج پاد، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

- سایت سازمان همکاری اسلامی oic-oci.org
- سنبل، نبی، (۱۳۷۶). «جهان اسلام، آسیب‌پذیری‌ها و تهدیدات»، مجله سیاست خارجی، سال یازدهم، پاییز.
- شوشتری، سیدمحمدجواد، (۱۳۸۳). *کاستی‌ها و بایسته‌های فرهنگی جهان اسلام، سازمان کنفرانس اسلامی*، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- شیخ‌نوری، محمدمیر، (۱۳۸۷). *صهیونیسم و نقد تاریخ‌نگاری معاصر غرب*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- شیروودی، مرتضی، (۱۳۸۱). *فلسطین و صهیونیسم*، قم، زمزم هدایت.
- صفا تاج، مجید، (۱۳۸۰). *ماجرای فلسطین و اسرائیل*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- طاهری آکردی، محمدحسین، (۱۳۹۰). *یهودیت*، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- ظریف، محمدجواد، (۱۳۷۶). «ضرورت اصلاحات در سازمان کنفرانس اسلامی»، مجله سیاست خارجی، ویژه کنفرانس اسلامی، سال یازدهم، پاییز.
- عبداللهی، محمود، (۱۳۸۲). «جایگاه سازمان کنفرانس اسلامی در آفریقا و نقش کشورهای آفریقائی مسلمان»، مجله مطالعات آفریقا، شماره ۸، پاییز و زمستان.
- عراقچی، عباس، (۱۳۷۶). «سازمان کنفرانس اسلامی و آینده‌ای ناامیدکننده»، مجله سیاست خارجی، ویژه کنفرانس اسلامی، سال یازدهم، پاییز.
- علی بابایی، غلامرضا، (۱۳۶۷). *فرهنگ علوم سیاسی*، ج ۱، تهران، ویس.
- عنادی الموتی، مراد، (۱۳۸۱). *ایران و سازمان کنفرانس اسلامی (بررسی عملکرد سازمان همکاری اسلامی در دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران براین سازمان)*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
- غفوری، محمد، (۱۳۸۶). *سازمان‌های بین‌المللی*، تهران، انتشارات سمت.
- فصاحت سید، (۱۳۷۶). «اصلاحات ساختاری در سازمان کنفرانس اسلامی»، ترجمه

- مسعود طارم‌سری، مجله سیاست خارجی ویژه کنفرانس اسلامی، سال یازدهم، پاییز.
- فلاح‌نژاد، علی، (۱۳۸۱). مناسبات ایران و اسرائیل در دوره پهلوی دوم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- فوزی توپسرکانی، یحیی، (۱۳۷۷). سازمان کنفرانس اسلامی (ساختار، عملکرد و روابط آن با ایران)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- محمد سیدسلیم و دیگران، (۱۳۷۶). سازمان کنفرانس اسلامی در جهان متغیر، ترجمه حسن رضایی، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ممدوحی، فرزاد، (۱۳۷۵). سازمان کنفرانس اسلامی، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- موثقی، احمد، (۱۳۷۱). استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- موجانی، سیدعلی، (۱۳۷۶). «انگیزه‌های ایران در تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی»، مجله سیاست خارجی ویژه کنفرانس اسلامی، سال یازدهم، پاییز.
- نظرآهاری، رضا، (۱۳۷۶). «سازمان کنفرانس اسلامی و زمینه‌های مثبت و منفی برای فعالیت آن در آینده»، مجله سیاست خارجی، ویژه کنفرانس اسلامی، سال یازدهم، پاییز.
- والی‌نژاد، مرتضی، (۱۳۸۲). «بانک توسعه اسلامی»، نشریه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، شماره ۵.
- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۷۶). «سازمان کنفرانس اسلامی، ضرورت تحرک پس از جنگ سرد»، مجله سیاست خارجی، ویژه کنفرانس اسلامی، سال یازدهم، پاییز.
- ولایتی، علی‌اکبر، (۱۳۷۶). ایران و مسأله فلسطین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- هنری کتان، (۱۳۵۴). فلسطین و حقوق بین‌الملل، ترجمه غلامرضا فدایی، تهران، انتشارات امیرکبیر.